

### متن پرسش

با سلام و وقت بخیر: در موضوع پلورالیسم با یکی از افراد گفتگویی داشتیم. با مراجعه به صحبت های شما (کلام جدید - اسلام و پلورالیسم - تفسیر سوره شوری - امام رضا و پلورالیسم - پرسش و پاسخ) مواردی بود که عینا مطرح گردید. پاسخ هایی به مواردی که بیان کرده بودید دادند که قسمتی از آن را بطور خلاصه می آورم متن زیر بیشتر ناظر بر یادداشت اسلام و پلورالیسم هست -----  
خب اینها هیچکدام ربطی به مسیحیت ندارد. این آیات همگی اشاره به بدعت های مسیحی عرب زمان پیامبر بوده است. ربطی به مسیحیت بیژانس ندارد. زیرا آیات مصداق عقاید مسیحیان نیست. اما می گویند که: «و وَحِي نَاسِخٍ كَمَا مَرَّ بِكُم مِّن قَبْلِهِ» که می فرماید بقیه ی کتاب های آسمانی دیگر رسالت هدایت ندارند، قرآن است» این هم سخنی صحیح نیست و مبنای قرآنی ندارد. قرآن در سرتاسر آیاتش کل انجیل و تورات و کتب آسمانی را تایید کرده و در هیچ آیه ی نداریم که گفته باشد آنها منسوخ شدند. اینها صحبت های من در آوردی است ریشه قرآنی هم ندارد. مثلا در سوره مائده آیه ۴۷ قرآن صراحتا می فرماید که به انجیل حکم کنید. حال چطور منسوخ شده در حالی که دستور وحی این است که به انجیل حکم شود؟ در سوره مائده آیه ۴۷ دانه مستقیما میگه به مسیحیان که به انجیلی که در دستتان است عمل کنید و حکم کنید و انجامش دهید و اگر نکنید از نافرمانان هستید: سوال من از شما این است که انجیل به کدام انجیل داور می کنند و انجامش دهند؟ بدون شک این آیات نشان می دهد قرآن اولاً انجیل را در دسترس مسیحیان می داند. یعنی صحبت از یک انجیل خیالی نیست! ثانیاً انجیل مسیحیان را وحی می داند و الهی. ثالثاً حکم می دهد که به آن عمل شود. -----  
یک مورد دیگر بحث تثلیث بود که مقداری تحقیق کردم به مصاحبه دکتر نصر - جان هیک رسیدم گویا این مورد هم که به آن انتقاد زیادی وارد می کنند هم احتیاج به بحث و بررسی دارد.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: پلورالیسم به آن معنا که بقیه ی ادیان الهی را در جای خود و در نسبت به امت های خود بپذیریم و جایگاهی برای آنها قائل باشیم؛ حرف غلطی نیست. ولی وقتی قرآن می فرماید: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ» آن هایی که حضرت مسیح را به یک معنا خدا و یا فرزند خدا می دانند، کافرنده؛ می توانیم بگوییم این طرز فکر از نظر قرآن حق نیست. آری! آن نوع مسیحیت که خداوند در موردش می فرماید: «لَيْسُوا سَوَاءً ۚ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتَّبِعُونَ

آيَاتِ اللَّهِ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ» همه‌ی اهل کتاب یک‌طور نیستند، عده‌ای از آن‌ها اهل تلاوت آیات الهی و اهل سجده و قیام می‌باشند. که بحث آن‌ها جدا است. اینان برای خود از نظر ما حق هستند، اما آیا می‌توانیم توحید ناب اسلامی را رها کنیم و به آن نوع دیانت رجوع نماییم؟ و آیا این نوعی کفر نسبت به حقیقت توحید به حساب نمی‌آید؟ موفق باشید